

مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی

○ هدا سیدحسین زاده

بود. حضور و فعالیت این علما در این برهه از تاریخ ایران و اینکه انگیزه آنها از مهاجرت از جبل عامل به ایران چه بوده و رابطه آنان با پادشاهان صفوی و پیامد فعالیت آنها در سیر تحول تشیع و اوضاع سیاسی ایران چگونه بوده است؛ پرسش‌هایی است که علیرغم اهمیت این دوره از تاریخ ایران، تاکنون تحقیق جدی برای پاسخ بدانها صورت نگرفته بود. کتاب مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی نگاشته آقای مهدی فرهانی منفرد که درحقیقت رساله کارشناسی ارشد ایشان بوده است، توانسته تا حد زیادی به این سوالات پاسخ دهد.

بکر بودن موضوع و دشواری‌هایی که به خصوص به لحاظ محدودیت زمانی برای پایان‌نامه‌های تحصیلی وجود دارد، دشواری دست‌یابی به منابع از موانع این تحقیق بوده‌اند که فقدان استاد راهنما نیز خود بر مشکلات این کار افزوده بود، به خصوص که این استاد، محقق برجسته و معلمی دلسوز هم‌چون دکتر عبدالهادی حاتری بود که جای خالی او را نمی‌توان در میان اهل تاریخ ایران پر کرد. با وجود تمامی مشکلات، تحقیق فوق توانست به خوبی به پایان برسد و بتواند به عنوان پژوهشی سودمند، جایگاه ویژه‌ای برای محققینی که در آینده درصدد مطالعه و تحقیق در مورد این موضوع یا موضوع‌های پیرامون آن باشند به خود اختصاص دهد. مطالب کتاب در پنج «فصل» اصلی مطرح شده است و در آغاز «پیشگفتار» و دیباچهای کوتاه قرار دارد که در دیباچه «قلمرو پژوهش» و «منابع» مورد استفاده مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

بررسی منابع تحقیق شاید یکی از دشوارترین مراحل کار به نظر آید و از این لحاظ قابل تأمل است، با توجه به موضوع تحقیق که به مهاجرت و نقش علمای جبل عامل در دوره صفویه پرداخته است، طبیعی بود که باید گذشته از منابع دست اول دوره صفویه از منابعی سود جسته می‌شد که به تاریخ تشیع در جبل عامل، چگونگی شکل‌گیری نهضت علمای شیعه، اندیشه و حرکت‌های آنها پرداخته بودند. فراهم آوردن این منابع بسیار دشوار بوده است و حتی زمانی که منابع در دسترس قرار می‌گرفت با توجه به اینکه بیشتر آنها به زبان عربی بودند، بهره جستن از آنها خود ساعت‌ها و حتی روزها وقت می‌طلبد. به هر حال نگاهی هر چند سریع و گذرا به فهرست کتاب‌شناسی منابع و مطالعات عربی و فارسی که در پایان کتاب آمده است، بیانگر استفاده گسترده‌ای است که محقق از آنها در کار خود نموده است.

منابع اصلی این پژوهش، نخست کتب رجالی بوده که به شرح حال و زندگی علمای شیعه اختصاص دارد و

اهمیت دوران حاکمیت صفویان بر ایران بر همگان و به خصوص اهل تاریخ و علاقمندان به این رشته روشن است، اما برای یادآوری، بار دیگر چند مشخصه اصلی حکومت آنها را بر ایران برمی‌شماریم:

۱ - تمرکز قدرت و تشکیل حکومت مرکزی و در نتیجه وحدت سرتاسر ایران که پس از فروپاشی حکومت ساسانیان (۲۲۶ - ۶۵۲ م) از بین رفته بود.

۲ - رشد و شکوفایی ایران در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و هنری که ایران را به عنوان کشوری مطرح در زمان خود معرفی کرد.

۳ - سیاست رسمی کردن تشیع در سرتاسر ایران که به شدت از سوی حاکمیت سیاسی صفوی دنبال می‌شد و در حقیقت شیرازه اصلی تشکیل حکومت آنها بر ایران بود و مشخصه بارز سلسله صفوی به‌شمار می‌رفت.

سرمشاء شکل‌گیری قدرت صفویان را باید از زمان شیخ صفی‌الدین اردبیلی (م ۷۳۵ ق) دانست. در دوره خواجه علی یا علی سیاه‌پوشی (۸۳۰ - ۷۹۴ ق) بود که دعوت سری و زیرزمینی صفویان آغاز شد. این نهضت هم‌چنان توسط شیخ جنید (م ۸۶۵ ق) و جانشینانش ادامه داشت تا اینکه با جلوس شاه اسماعیل اول (حک ۹۰۵ - ۹۳۰ ق) بر تخت سلطنت، بنیان رسمی این سلسله گذاشته شد.

صفویان که با نیروی اعتقادی تصوف و تشیع و حمایت مدیران سرسپرده خود به پیروزی رسیده بودند سعی کردند تا تشیع را در سرتاسر ایران رسمیت بخشند و برای رسیدن به این هدف از تمامی قدرت خود استفاده کردند. اما پس از اعمال قدرت توسط دولت، برای پاسخ دادن به پرسشهای مذهبی مردم به علمایی نیاز بود که شایستگی و توانایی انجام این وظیفه مهم را داشته باشند. به دنبال همین احساس نیاز بود که صفویان بر آن شدند علمای شیعه را به ایران فراخوانند. به همین دلیل در دوره زمامداری شاه طهماسب (حک ۹۳۰ - ۹۸۴ ق) بود که بیشترین مهاجرت این علما به ایران صورت گرفت، چرا که شاه توجه خاصی به آنها مبذول می‌داشت و آنها را متصدی مناصب مهم نمود. این علما از عراق، یحزین و جبل عامل به ایران مهاجرت کردند اما مهاجرت علمای جبل عامل جایگاه ویژه‌ای در این میان داشت. آنها نه تنها از نظر تعداد بیشتر از سایر مهاجرین بودند، بلکه نوع اندیشه دینی و سیاسی آنها که سرچشمه اصلی آن به تعلیمات محمدبن مکی جزینی مشهور به شهید اول (م ۷۸۶ ق) بازمی‌گشت و نقش مؤثری که آنان در دولت صفوی داشتند، موقعیت خاصی را برای آنان فراهم آورده

○ مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی
○ تالیف: مهدی فرهانی منفرد
○ ناشر: امیرکبیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷

مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران

در عصر صفوی

تألیف: مهدی فرهانی منفرد



مؤسسه انتشارات امیرکبیر
تهران: ۱۳۷۷



اثر علی قلی بیگ جبهدار، تاریخ ۱۶۷۰ م

نویسنده دلیل این مهاجرت را به علل «درون مرزی» و «برون مرزی» تقسیم نموده است. در بحث نخست به وضعیت ایران صفوی و نیاز آنان به این علمای مهاجر می‌پردازد... و انگیزه‌های «برون مرزی» را نفوذ و سلطه حکومت سنی مذهب بر شام از جمله ممالیک و امپراتوری عثمانی و آزار شیعیان در این مناطق برمی‌شمارد

برای شرح احوال علمای شیعه جبل عامل از آنها استفاده شده است. آثار تاریخی که به تاریخ و تحولات تشیع در جبل عامل و نهضت‌های آنان در این منطقه می‌پردازد از دیگر منابع این تحقیق هستند که بیشتر منابع عربی زبان نیز در میان همین آثار می‌باشند و اما منابع دیگر مربوط به تاریخ دوره صفویه در ایران است که مورد استفاده محقق بوده‌اند. شماری از مهم‌ترین این منابع فارسی و عربی به گونه مختصر در بخش معرفی منابع بررسی شده‌اند.

پس از دیباچه، فصل اول که در حقیقت به دو بخش مجزا تقسیم می‌شود به درونمایه‌ها و روند فکری و روند عینی نهضت صفوی که برگرفته از اندیشه تشیع است، پرداخته است. در این فصل نخست به گونه بسیار فشرده سیر تحول تاریخی تشیع از زمان امویان (خلافت ۱۳۲ - ۴۱ ق) در ایران مورد بررسی قرار گرفته است و سپس با اشاره به دوره‌های تاریخی در ایران و چگونگی اندیشه تشیع و جایگاه آن در قدرت‌های سیاسی، به تصوف و همبستگی آن با تشیع و به آناتولی به عنوان جایگاه نقطه اوج پیوند تشیع و تصوف اشاره شد. در این فصل با توجه به شرایط ویژه جغرافیایی و بافت اعتقادی - اجتماعی آناتولی، صفویان در سده‌های هشتم و نهم هجری قمری دعوت خود را در آنجا گسترش دادند و با فعالیت‌های مستمر خود توانستند گروه بسیاری را در سراسر آسیای صغیر و سواحل رود فرات تا حلب در زمره مریدان خود درآورند.

در روند عینی نهضت صفوی که بیشتر وقایع‌نگاری تاریخی است، پیشینه صفویان از پیش از شیخ صفی‌الدین اردبیلی (م ۷۳۵ ق) تا به تخت نشستن شاه اسماعیل در ۹۰۷ ق مورد بررسی قرار گرفته است. در این بخش چگونگی تبدیل و گسترش طریقت صفوی از یک فرقه ساده صوفیه اما پرطرفدار به صورت بزرگترین نهضت و حرکت سیاسی، اجتماعی با پشتوانه تصوف مورد بررسی قرار گرفته است و فعالیت‌های مستمر و خستگی‌ناپذیر چهار رهبر نخستین طریقت اردبیل، شیخ صفی‌الدین، صدرالدین موسی (م ۷۹۴ یا ۷۹۵ ق)، خواجه علی سیاه‌پوش (م ۸۳۰ ق) و شیخ ابراهیم معروف به شیخ شاه (م ۸۵۱ ق) قرار دارد و پس از آن به بررسی دگرگونی اساسی طریقت صفوی و تبدیل آن به یک حرکت کاملاً سیاسی از شیخ جنید (م ۸۶۵ ق)، شیخ حیدر (م ۸۹۳ ق) تا به تخت نشستن شاه اسماعیل کوچک‌ترین پسر شیخ حیدر ادامه می‌یابد.

فصل دوم به «نهضت علمی تشیع در جبل عامل» اختصاص دارد. در این فصل به تاریخ تشیع در جبل عامل که به دهه‌های نخستین سده چهارم هجری قمری می‌رسد می‌پردازد، یعنی زمانی که دولت‌های شیعی حمدانیان (حک ۳۹۴ - ۳۹۳ ق)، آل بویه (حک ۴۵۲ - ۳۲۰ ق)، فاطمیان (حک ۵۶۷ - ۳۹۷ ق) در عراق، ایران و برخی از کشورهای شمال آفریقا از جمله مصر قدرت را در دست گرفتند و تشیع فرصت یافت تا آزادانه مورد پذیرش مردم قرار گیرد و گسترش یابد.

چگونگی گسترش تشیع در جبل عامل و تقریباً در تمام شام و دوباره محدود شدن آن به دلیل ضعیف شدن یا از بین رفتن دولت‌های شیعی چون آل بویه که توسط سلجوقیان (حک ۵۹۰ - ۴۲۹ ق) از بغداد رانده شدند و جنگ‌های صلیبی که به ویران شدن شهرهای شیعه‌نشین چون دو امیرنشین؛ امارت بنی عمار در طرابلس و امارت بنی عقیل در صور منجر شد از نمونه آن هستند. ظهور ایوبیان (حک ۶۴۸ - ۵۶۴ ق) و ممالیکه ضربه دیگری بود بر تشیع، چرا که آنها برای از بین بردن شیعیان امامی، اسماعیلیه و نصیری تلاش کردند و سرانجام ممالیک بیشترین ضربه را به تشیع شام وارد آوردند، اما تشیع علیرغم این فشارها همچنان پایدار ماند. در مبحث «علل دوام و استمرار تشیع در جبل عامل» به علل این پایداری پرداخته شده است.

زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نهضت فکری تشیع در جبل عامل که پیشوای فکری آنان شهید اول بود و نتیجه و دستاورد آن که بعدها در عصر صفویان توسط معتقدان نظریه‌های فقهی وی تکوین یافت و ارتباط وی با خواجه علی مؤید (حک ۷۸۳ - ۷۶۶ ق) آخرین امیر سلسله سربداران خراسان پایان بخش فصل دوم است.

محقق در فصل سوم به «علل مهاجرت علمای شیعه جبل عامل به ایران» پرداخته است. یکی از مباحث بسیار خواندنی و جالب این فصل سفرنامه شیخ حسن بن عبدالصمد جبعی حارثی

پس از اعمال قدرت توسط دولت صفوی
برای رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع در ایران،
برای پاسخ دادن به پرسش‌های مذهبی مردم،
به علمایی نیاز بود که شایستگی و توانایی انجام این وظیفه مهم‌را
داشته باشند. به همین دلیل در دوره زمامداری شاه طهماسب بود
که بیشترین مهاجرت این علما به ایران صورت گرفت

یکی از مباحث جالب فصل سوم سفرنامه
شیخ حسن بن عبدالصمد جبعی حارثی (م ۹۸۴ ق)
از شاگردان برجسته شهید ثانی (م ۹۶۹ ق) و
پدر شیخ محمد عاملی مشهور به شیخ بهائی (م ۱۰۳۱ ق) است
که مورد بررسی قرار گرفته است



بود (نک: ص ۱۳۲ - ۱۳۵). مباحث فصل چهارم مفصل هستند و شاید بتوان گفت این فصل از کتاب پرارزش‌ترین و عمیق‌ترین قسمت کتاب در ارتباط با نوع نگرش و اندیشه این علما و نقش مؤثر آنان در تبیین و مشروعیت بخشیدن به حکومت صفویان است که تأثیر بسیار در روند تاریخ سیاسی ایران داشته است.

در آخرین فصل که فصل پنجم است «پیامدهای مهاجرت علمای شیعه جبل عامل به ایران» بررسی شده است. این پیامدها از نقطه نظر سیاسی - رسیدن این علما به مقام «خاتم‌المجتهدینی» و مشروعیت دادن به صفویان و نفوذ آنان در شاهان صفوی و تصدی مناصبی مهم از جمله مقام «صدر» و «شیخ الاسلامی» -، مذهبی - رواج تشیع در سر تا سر ایران که قسمتی از بار فرهنگی آن بر دوش این علما بود، علمی و ادبی - پدید آمدن آثار علمی و ادبی و احداث مدارس متعدد علوم دینی - مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

در بخش بیوست‌ها نیز به عنوان خاتمه کتاب در فرمان اول و دوم شاه طهماسب مبنی بر دادن فرمان اطاعت از محقق کرکی به تمام شهرها و دانستن وی به عنوان نایب امام غایب است و شاه طهماسب تأکید ورزیده که هر که را او (محقق کرکی) عزل کند معزول و هر که را او نصب کند، منصوب است.

تمامی پنج فصل که بدانها اشاره شد و همچنین دیباجه و معرفی منابع در نهایت اختصار و ایجاز تلویین شده‌اند به گونه‌ای که گاه خواننده تصور می‌کند با نوعی شتاب محقق برای خاتمه بخشیدن به فصل‌ها و در نهایت کتاب مواجه است، اما با وجود این نباید از انصاف دور شویم که علیرغم همین موجز بودن تقسیم‌بندی مناسب اجزا و فصل‌ها و تسلط محقق بر زمینه تحقیق موجب شده تا کتاب بتواند به خوبی ارتباط خود را با خواننده حفظ کند و از عهده تفهیم و توضیح موضوع اصلی تحقیق برآید. توضیحات سودمند مؤلف در بخش یادداشت‌ها از محسنات کتاب هستند، اما جای دادن یادداشت‌ها در پایان هر فصل به جای رسم متداول قراردادن آنها به صورت پانوشته‌ها در هر صفحه اگرچه خواننده را وادار می‌کند که هر بار با خواندن هر جمله برای یافتن توضیحات یا منابع آن صفحات را ورق زده و به بخش یادداشت‌ها مراجعه کند اما همین سبک خود، خاطره و یاد دیگری است از استاد عبدالهادی حائری که همواره این شیوه یادداشت‌گذاری را به دانشجویان خود توصیه می‌نمود.

در پایان ذکر چند نکته که به ناشر کتاب بازمی‌گردد، ضروری است. نخست اینکه مطالب کتاب با قلم ریز یا کوچک حروف چینی شده‌اند. این نوع قلم در حقیقت برای پانوشته‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد نه برای متن اصلی و همین کوچک بودن قلم خود می‌تواند بر استمرار مطالعه کتاب توسط خواننده اثر گذاشته و زودتر از حد معمول او را از مطالعه خسته کند. دیگر اینکه امروز رسم بر این است که نام طراح روی جلد یا منبعی را که برای طرح روی جلد از آن استفاده شده است کنار طرح در روی جلد یا پشت آن و یا در شناسنامه کتاب ذکر می‌کنند اما با وجود جستجو در هر گوشه و زاویه، کتاب اثری از توضیح درباره طرح روی جلد نیافتیم.

نکته آخر اینکه با توجه به تازه بودن موضوع تحقیق تیراژ هزار و پانصد نسخه‌ای برای چاپ اول آن موجب شگفتی است در حالی که می‌دانیم امروزه حداقل تیراژ برای کتاب سه هزار نسخه است که خود برای جامعه چند میلیونی ما بسیار کم است. با توجه به ارزش و موضوع کتاب و با توجه به قیمت مناسب آن امید است استقبال دانشجویان و محققین تاریخ ایران از این کتاب به تجدید چاپ آن منجر شود تا از این طریق دست کم تیراژ پایین نخستین چاپ آن جبران شود و برخورد محتاطانه ناشرین در ارتباط با تیراژ پایین کتاب نیز جای خود را به اطمینان و اعتماد بیشتری مبنی بر فروش کتابهایی با زمینه‌های تحقیق جدید از نوع این کتاب باشد.

(م ۹۸۴ ق) از شاگردان برجسته شهید ثانی (م ۹۶۹ ق) و پدر شیخ محمد عاملی مشهور به شیخ بهائی (م ۱۰۳۱ ق) است که مورد بررسی قرار گرفته و فرازهایی از نگاه‌های وی آمده است، که برای شناخت ایران روزگار صفوی بسیار ارزنده است.

در مبحث علل مهاجرت این علما در همین فصل، محقق تحلیل ارزنده و خوبی از پدیده مهاجرت علمای جبل عامل به ایران می‌دهد، وی دلیل این مهاجرت را به علل «درون مرزی» و «برون مرزی» تقسیم نموده است. در بحث نخست به وضعیت ایران صفوی و نیاز آنان به این علمای مهاجر می‌پردازد. این نیاز نخست از احتیاج به برقراری همگونی فکری و کنترل شور انقلابی پیروان دولت صفوی سرچشمه می‌گرفت که این خود نیازمند نظامی متکی بر قوانین بود و با توجه به ماهیت دولت صفوی این قوانین نیز باید برگرفته از مذهب می‌بود. به همین دلیل به فقیهانی آگاه و مطلع نیاز بود که بتوانند از عهده این دو امر مهم برآیند. نکته دیگر اینکه پس از شکست شاه اسماعیل در چالدران (۹۲۰ ق) باور معتقدان به او به عنوان مقامی عرفانی درهم ریخت و دیگر رابطه مافوق طبیعی بین شاهان صفوی و پیروان آنها ضعیف شد و به همین دلیل نیاز به تقویت مذهب تشیع بود تا از این طریق دولت صفوی مشروعیت خود را حفظ کند، از سوی دیگر کمبود علمای شیعی در ایران برای تعلیم و پاسخ‌گویی به نیاز مردم از دیگر عوامل درون مرزی مهاجرت محسوب می‌شد. انگیزه‌های «برون مرزی» نفوذ و سلطه حکومت سنی مذهب بر شام از جمله ممالیک و امپراطوری عثمانی و آزار شیعیان در این مناطق بود. وجود دولت شیعی مذهب صفویان که امکان ابراز عقیده و ترویج و تبلیغ اعتقادات این علما و شرایط و جایگاه مناسب برای آنان در ایران را به وجود می‌آورد، از دیگر انگیزه‌هایی بود که این علما را به ایران جذب می‌کرد.

فصل چهارم به ارزیابی نحوه برخورد و ارتباط مهاجران با حکومت صفوی اختصاص یافته است. دو مبحث برجسته این فصل «سازگاری‌ها و همگامی‌های مهاجران با حکومت صفوی» و «ناسازگاری‌ها و ناهمگامی‌های مهاجران با حکومت صفوی» است. در بخش نخست به چگونگی تأکید بر نقش فقیه جامع‌الشرایط در امور حکومتی و توسعه این نقش به ویژه از سوی فقیهان عاملی پرداخته شده است. این فقیهان در حکومت صفوی با لقب‌های «خاتم‌المجتهدین» و «مجتهد الزمانی» نامیده می‌شدند که قدرت و نفوذ بسیاری در جامعه و حتی بر شاه داشتند و نقش مؤثری در مشروعیت بخشیدن به حکومت صفویان ایفا می‌کردند. یکی از برجسته‌ترین این عالمان محقق کرکی بود که حتی شاه طهماسب امور کشور را به اختیار وی گذاشت و به تمامی شهرها فرمان فرستاد تا از دستورات او اطاعت کنند. (نک: ص ۱۰۸) در این فصل تاحدی به جایگاه و اندیشه‌های وی در دوره شاه طهماسب پرداخته شده است. دیگر عالم بزرگ این دوره علامه محمدباقر مجلسی (م ۱۰۳۷ ق) بود که از بانفوذترین علمای عصر صفوی در دوره شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی (حک ۱۱۳۵ - ۱۱۰۵ ق) قلمداد می‌شود. وی نیز از تبار علمای جبل عامل بوده است. در این بخش دو بحث مهم خراج و نماز جمعه در دوره غیبت امام غایب و چگونگی برخورد با این دو امر مهم مورد بررسی قرار گرفته است.

بخش ناسازگاری‌ها و ناهمگامی‌های مهاجران با حکومت صفوی به مخالفت علمای شیعه جبل عامل با حکومت صفویان و مواضع آنها در برابر این حکومت پرداخته است. در این بخش می‌خوانیم که گروهی از این علما علیرغم فشار در منطقه خود هیچ‌گاه به ایران سفر نکردند که از آن میان می‌توان از شهید ثانی نام برد و گروه دیگری نیز که به ایران آمدند پس از چندی به نوعی از ایران رفتند که شیخ حسین بن عبدالصمد حائری یکی از آنان بود و حتی پسر وی شیخ بهائی، عالم بزرگ این دوره علیرغم مقام و منزلت خاصی که داشت از اقامت در ایران ناراضی